

خبر

یک میلیارد تومان کمک مردم در حساب یک سلبرتی

● **شرق:** یک میلیارد تومان کمک مردم در حساب یک سلبرتی که صرف کمک به مردم نشده است؛ این خبری بود که روز گذشته استاندار کرمانشا اعلام کرد. یک سال و شش ماه از زلزله کرمانشاه می‌گذرد، اما شهر همچنان چهره عادی به خود نگرفته و پارک‌ها پیر از چادر و کانکس است. زلزله که آمد عده زیادی به این مناطق سرازیر شدند، عکس‌های یادگاری‌شان را با زلزله‌زگان گرفتند، وجهه‌سازی کردند و پول‌هایی به اسم کمک به زلزله‌زگان دریافت کردند. نتیجه کارشان اما آن‌طور نبود که وعده می‌دادند، نوک پیکان این نقد به سمت سلبرتی‌ها است؛ همان کسانی که در فضای احساسی آن روزها روی موج دلسوزی و همدردی مردم با زلزله‌زگان سوار شدند و اقدام به جمع‌آوری پول برای کمک به زلزله‌زگان کردند اما از سرنوشت دقیق آن پول‌ها اطلاعی در دست نیست؛ پول‌هایی که مردم با اعتمادی که به سلبرتی‌ها داشتند آن را به دست آنها سپردند تا کمی از مشکلات هموطنان خود را که خانه‌ها کاشانه‌شان روی سرشان آوار شده بود و بدون کمترین امکانات در چادر و کانکس زمستان را سر می‌کردند، کم کنند. این اولین‌بار نیست که موضوعاتی از این دست خبری می‌شود؛ گفته‌ای که در ابتدای این گزارش آمد بخشی از نقل قول استاندار کرمانشاه است که روز دوشنبه در نشست با حضور رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره)، استاندار کرمانشاه و رئیس ستاد مدیریت بحران کشور در محل کمیته امداد برگزار شد. استاندار کرمانشاه در این نشست دراین‌باره گفت: سلبرتی‌که که حدود یک میلیارد تومان مردم به حساب او برای کمک به مناطق زلزله‌زده کرمانشاه کمک کرده بودند پای کار نیامدند و اقدامی انجام نداده است. هوشنگ بازوند با تأکید بر اینکه در زلزله کرمانشاه مردم ۲۶۹ میلیارد تومان مواد غذایی کمک و توزیع کردند، گفت: ۶۳ میلیارد تومان وجه نقد به حساب ملال‌الاحمر از سوی مردم واریز شده است و همچنین ۱۲۲ میلیارد تومان مردم به حساب سلبرتی‌ها واریز کرده‌اند. از کمک‌هایی که به سلبرتی‌ها واریز شده نیز سه نفر آنها در منطقه در حال انجام کار هستند و فردی که حدود یک میلیارد مردم به حساب او برای کمک به مناطق زلزله‌زده کرمانشاه کمک کرده بودند، پای کار نیامده و اقدامی انجام نداده است. پس از وقوع زلزله کرمانشاه که تعداد زیادی از شهروندان این مناطق را بی‌خانمان کرد، بعضی از چهره‌های سرشناس به‌طور مستقل با اعلام شماره حساب اقدام به جمع‌آوری کمک برای زلزله‌زگان کردند. صادق زیباکلام، علی دایی، نیکو کریمی، نوید محمدزاده، الهام پاپوندژاد، رامبد جوان، بهنوش بختیاری، گوهر خیراندیش، محمدرضا گلزار، باران کوثری، نینوشا ضیغمی، حامد بهداد و همچنین ترنس کبابلسی از جمله کسانی بودند که از طریق حساب‌های شخصی و حساب‌های مربوط به مؤسسات و نهادهای سینمایی و حمایتی از مردم درخواست کمک کردند. با این حال، چند ماه پس از اعلام این حساب‌ها خبر آمد که حساب برخی از آنها مسدود شده است و برای برخی دیگر از آنها احضاریه رفته است تا درباره نحوه هزینه‌کرد پول‌هایی که مردم به حسابشان واریز کرده‌اند، توضیحاتی ارائه دهند.

برگزاری جلسه‌ای برای کمک به اولین مدرسه کودکان کار

● جلسه برای کمک به مدرسه صبح رویش، اولین مدرسه برای کودکان کار، در منزل پروفیسور هشتودی برگزار شد. در این جلسه به حضور تعدادی از خیرین مدرسه‌ساز برگزار شده، فریبا هشتودی، دختر پروفیسور هشتودی، با بیان اینکه پدر همیشه معتقد بود آموزش و پرورش مکانی برای تغییر رشد جامعه است، گفت «با توجه به این دیدگاه مردم مرحوم هشتودی از همین‌جا اعلام می‌کنم هر کاری که بتوانیم، در این زمینه انجام خواهیم داد. من چندی پیش از مدرسه صبح رویش دیدن کردم و خوشبختانه این مدرسه در راستای دیدگاه‌های پدرم عمل می‌کرد. در این مدرسه که شرایط خاصی هم دارد، علاوه بر تدریس کتاب درسی، انشای آموزان را به عقل‌گرایی سوق می‌دهد». او در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از دولتمردان اظهار کرد «بسیار برای من دردناک است که کشور فرانسه در انجام چنین اقداماتی با ما همراهی می‌کند؛ اما زمانی که ما برای انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه و کمک به چنین مدرسه‌ای از دولتمردان درخواست کمک می‌کنیم، آنها فقط به ما قول می‌دهند؛ اما آن را عملی نمی‌کنند. در بخش دیگر این جلسه مسئولان مدرسه صبح رویش از خیرینی که در این جلسه شرکت داشتند، درخواست کردند برای ساخت دبیرستان دخترانه با آنها همکاری کنند. علاوه بر این آنها گفتند زمین صبح رویش در اختیار شهرداری است و هر لحظه ممکن است از آنها درخواست شود. آنها را ترک نکنند. به گفته مسئولان این مدرسه مدرسه صبح رویش در سال ۹۱ با ۵۶ دانش آموز دختر و ۹۰ دانش آموز پسر شروع به کار کرد و درحال‌حاضر ۷۰۰ کودک کار در آن مشغول به تحصیل و آموزش حرفه‌های مختلف هستند. در پایان آنها از خیرینی که در این جلسه حضور داشتند، درخواست کردند آنها را برای ساخت دبیرستان دخترانه کمک و همراهی کنند. بنیاد هشتودی در کشور فرانسه فعال است و قصد دارد بنیادی با همین نام نیز در ایران به ثبت برساند تا در راستای اهداف پروفیسور محسن هشتودی فعالیت کند، این مؤنسه قصد دارد در حوزه پژوهش‌های علمی و همچنین فعالیت‌های عام‌المنفعه فعالیت کند.

چرا مدیریت «محمد سرافراز» عمر کوتاهی داشت

ادامه از صفحه ۱۲

● البته دولت هم دراین‌باره خبلی آوانگارد عمل نکرده!

این فشار آن‌قدر زیاد بود که دولت ناچار شد قبول کند؛ اما در صداوسیما سابقه نداشت که یک خانم در سطح معاونت حضور پیدا کند! نکته دیگر بحث مزایده بود که درواقع برای افزایش درآمدها بهترین و قانونی‌ترین روش را انتخاب کردیم.

● **در بحث بازرگانی سازمان، در مقطعی آگهی رسمی مزایده در صداوسیما جنجال آفرین شد. اصل موضوع چه بود؟**

همان‌طور که گفتیم، برآورد کارشناسی این بود که سازمان می‌تواند تا سه هزار میلیارد تومان درآمد داشته باشد. بعد از اینکه مدیرکل بازرگانی اعلام ناتوانی برای درآمدهای بازرگانی کرد، به این جمع‌بندی رسیدیم که بهترین شیوه انجام مزایده است و آگهی رسمی مزایده را منتشر کردیم که براساس این آگهی همه زمان‌های پذیرش و پخش آگهی‌های بازرگانی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی سراسری، برای مدت سه سال از ابتدای سال ۹۵ تا آخر سال ۹۷ به صورت کامل واگذار شود. در مرحله اول مزایده حدود ۳۵ هلدینگ شرکت کردند، در مرحله دوم به دو هلدینگ رسید که یکی برنده شد که در آن بانک توسعه تعاون مربوط به وزارت کار و تعاون بود، چندین شرکت و مؤسسه خصوصی بودند، کانون تبلیغاتی بود و اینها برنده شدند. وقتی اینها برنده شدند، بیکاره فضاسازی‌ها شروع شد؛ به این شکل که «صداوسیما در حال فروختن آنتن است» و دستگاه امنیتی به دفتر رهبری گزارش دادند. البته در شکست مزایده، دولت نیز نقشی جدی داشت؛ چون در این هلدینگ که برنده شده بود، اولین جایی که کنار کشید، بانک «توسعه تعاون» بود؛ درحالی‌که مجمع‌شان تصویب کرده بود در مزایده شرکت کنند. از آقای ریبعی، وزیر وقت کار و تعاون، سؤال کردم چرا کنار کشیدید، گفت: «تحت فشار مقام بالاتر قرار می‌گرفتم». وقتی بانک کنار کشید، صد میلیارد تومان ضمانت آن را به اجرا گذاشتیم. در واقع به دلیل این فرمان از بالا بانک کنار کشید، ولی بقیه اعضای هلدینگ انگیزه داشتند که بمانند؛ نامه زدند و مهلت خواستند تا به تعهد خود عمل کرده و قتراردها را امضا کنند. در سه مزایده در سال اول اجرا، باید هزارو ۶۵۰ میلیارد تومان می‌داد که در پروسه‌ای سه‌ساله بود و سال به سال هم اضافه می‌شد. دی‌ماه ۱۳۹۴ بود و درصورتی‌که قرارداد را امضا می‌کردند، بلافاصله باید حدود ۵۰۰ میلیارد تومان به سازمان پرداخت می‌کردند.

● **شاید تصور نمی‌کردند قیمت دلار بالا برود؟**

به‌هرحال آنها را به شکل‌های مختلف تهدید کردند و فردی که در هلدینگ مسئول اجرا بود، به من گفت این دخالت‌ها خیلی گسترده بود و من را تهدید کردند تا از مزایده کنار بکشم؛ بازهم پای دستگاه‌های امنیتی در میان بود. نکته بعدی پرونده‌سازی برای تعدادی از مسئولان سازمان بود که همه از بیرون انجام می‌شد.

● **به نظر شما علت اختلاف این مسئله بود؟ مشکل کجا بود؟**

درباره مزایده، من شما را ارجاع می‌دهم به گزارشی که همان زمان «سایت تابناک» منتشر و تا حدی واقعیت را بازگو کرده است. به‌هرحال نمی‌خواستند صداوسیما مستقل باشد؛ چون ما مدلی که ما جلو می‌فیم، از نظر درآمدی در سه سال آینده نیازی به کمک دولت نداشتیم. ● **مگر صداوسیما طبق قانون جمهوری اسلامی نهادی نیست که زیر نظر رهبری اداره می‌شود. وقتی این سازمان به استقلال برسد، نقش یک شبکه خصوصی را بازی خواهد کرد؛ درصورتی‌که صداوسیما قرار است یک رسانه ملی شود!**

اولا این چیزی بود که آقای روحانی بارها در جلسات مختلف می‌گفتند: «صداوسیما آن‌قدر می‌تواند درآمد داشته باشد که روی پای خودش بایستد». این حقیقا خواسته رئیس‌جمهور هم بود.

● **اما در تمام ادوار، صداوسیما همیشه دولت‌ها را به وجه دولت آقای احمدی‌نژاد به نظر شما در کشوری که قانون اساسی آن اجازه می‌دهد تنها تلویزیون دولتی داشته باشیم و مجوزی برای سرافرازاشتن شبکه‌های خصوصی وجود ندارد، شما اگر رئیس‌جمهور مملکت بودید اجازه می‌دادید صداوسیما ساز مخالف بزند؟**

درباره دوره خودم می‌توانم دفاع کنم و نظر دهم؛ دوره‌های دیگر را باید سایر رؤسای سازمان نظر دهند. همه دولت‌ها تا جایی که می‌توانستند سعی می‌کردند به بودجه صداوسیما فشار بیاورند تا امتیاز بگیرند. حداقل در مقطعی که من بودم، نظر رئیس دولت این بود که صداوسیما باید از طریق درآمدهایش ارتزاقی کند و منکی به بودجه دولت نیاید. استقلال مالی به معنای بخش خصوصی‌شدن نیست؛ ضوابط و قانون دارد. در شرایطی که ما تحت فشار شدید مالی بودیم، وقت زیادی از رسانه ملی را در اختیار دولت قرار می‌دادیم.

● **چقدر مدیران دولت در رده‌های مختلف توانستند در صداوسیما حضوری مؤثر داشته باشند؟**

در دوره مدیریت ما تنها نکته‌ای که بر سر آن با دولت چالش داشتم، برجام بود و الاغیر. اولاً تمام وزرا به شکل مفصل از صداوسیما استفاده می‌کردند؛ طوری که ما گفته بودیم هرکدام خواستید، می‌توانید در برنامه زنده به شکل‌های مختلف درباره هر موضوع توضیح دهید و محدودیتی نداشتیم.

● **پس چرا رئیس‌جمهور می‌گوید رسانه «ملی»، رسانه «ملی» شده؟**

از خودشان برسید. در مقطعی که ما بودیم، موضوع «برجام» بود که از عملکرد رسانه ملی دفاع می‌کنم و ما مدعی هستیم. گزارش مفصل با جزئیات هم به دولت دادم. هروقت رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و معاونان یا کارشناسان دیگری می‌خواستند درباره «برجام» در برنامه‌ها و خبر صحبت کنند، می‌توانستند توضیح دهند. علاوه

بر آن، کسانی که اینها معرفی می‌کردند به‌عنوان مدافع می‌توانستند شرکت کنند؛ اما حرف من این بود که ما نمی‌توانیم یک‌طرفه عمل کنیم و به منتقد و مخالف در این فضا اصلا میدان ندهیم. من مقابل این نگاه ایستادم که می‌گفت «برجام مصوبه» است و منتقدان نباید حرف بزنند. تقریباً در آماری که در آن مقطع ارائه کردیم، فقط حدود ۱۰ درصد از مخالفان از تریبون صداوسیما برای «برجام» استفاده می‌کردند و بیشتر فضا در اختیار موافقان و پایه‌گذاران «برجام» بود.

● **پس علیه آقایان طریف و زنگنه کجا حرف زده می‌شد؟ چه کسانی آنها را می‌زدند؟**

چیزی که من می‌گویم و از آن دفاع می‌کنم، این است که هیچ «زدنی» در کار نبوده است، سیاست ما به این شکل بود، این به آن معنا نیست که یک روز در برنامه‌ای کسی چیزی نگفته باشد. به شکل موردی ممکن است پیش آمده باشد، منکر نمی‌شوم؛ اما سیاست ما این بود که حتماً باید فضا در اختیار منتقدان هم قرار بگیرد. حتی درباره ماجرای مذاکرات هسته‌ای نیز طرحی داشتیم که قبلاً ارائه کرده بودم و به نظرم موفق‌تر از این مدل توافق «برجام» بود. این طرح را به مقام رهبری دادم. فقط اشاره می‌کنم؛ قبل از توقافات برجام که فضا برای مذاکره با آمریکا تنش و منفی بود، طرحی دادم که کاملاً عملی نبود. عنوانش «تعلیق در مقابل تعلیق» بود. معلوم بود که آمریکا تحریم‌ها را لغو نمی‌کند و ما هم نباید صنعت هسته‌ای را تعطیل کنیم، در آن شرایط غرب هم راضی بود. آنها تحریم‌ها را تعلیق کنند، ما هم فعالیت‌های هسته‌ای را تعلیق کنیم تا دارایی‌های بلوکه‌شده ما آزاد شوند و بتوانیم «اقتصاد ملی» را تقویت کنیم. متأسفانه هنوز گزارش نداده‌اند که چه مقدار از ارزهای ما پس از توافق «برجام» به کشور برگشته است.

● **شما در جلسات هیئت دولت شرکت می‌کردید؟ در همه جلسات خیر. هر هفته در یک جلسه شرکت می‌کردم. بدانید هر وزیر و هر رئیس دستگاهی اگر در تمام جلسات هیئت دولت، کمیسوین‌ها، شوراها و شورا‌های عالی شرکت کنند، به کارهای داخلی خودشان نمی‌رسد؛ نکته‌ای که آقای روحانی هم این‌اواخر به آن اشاره می‌کرد، چون آن‌قدر جلسات زیادی در دولت و شورای‌عالی هست که نمی‌توان در همه آنها شرکت کرد؛ مثلاً گزارشی آمده بود که معاون‌اول رئیس‌جمهور ۲۴ شورای‌عالی را باید اداره کند. نگاه من این بود که اول باید صداوسیما اصلاح شود و فکر می‌کردم با اصلاح صداوسیما می‌توانیم این کار را الگوی اصلاح کشور قرار دهیم.**

● **به دخالت‌های خارج از صداوسیما اشاره کردید و گفتید برای تعدادی از مدیران صداوسیما پرونده‌سازی کرده بودند. به طور مشخص منظورتان شهزاد میرقلی‌قاسمی است؟**

بله، از ایشان شروع شد. ایشان کسی بود که پنج سال در زندان‌های آمریکا بود، کتابش را هم به زبان انگلیسی نوشته بود. در شبکه پرس‌تی‌وی سه سال با موفقیت کار کرد. اولین ایلپیکیشن‌ها برای شبکه‌های برون‌مرزی، بازسازی دیتاستر، ارتقای سیستم سترام‌افراز و newsroom مقابله با پرونده‌های ماهواره‌ای غرب از طریق راه‌اندازی IPTV ها و شبکه‌های کابلی در دوره مدیریت ایشان انجام شد. وقتی به سازمان آمد، در مورد چند پروژه و مسئله خاص به ایشان مأموریت داخل‌سازمانی دادیم که بازرسی کنند. این یک حکم داخلی بود. ما‌جرا از اینجا شروع شد که ایشان مواردی را درآورد که مثلاً یکی دیتاستر سازمان بود که ۵۰ میلیارد تومان خرج برداشته بود و بیش از یک سال قبل از مسئولیت من به‌عنوان رئیس سازمان، این پروژه مسکوت مانده بود. هدف از راه‌اندازی یک دیتاستر برای کشور بدون مصوبه دستگاه بالادستی و صرف هزینه‌های گزاف جای سؤال داشت. گزارشی از IPTV سازمان تهیه کرد که تا آن زمان بیش از ۹ میلیون یورو هزینه برداشته بود، ولی راه‌اندازی نشده بود و اکنون نمی‌دانم به چه سرنوشتی دچار شده است و پروژه‌ای به‌عنوان «پیام‌رسان شروش» بود که اشکالاتی داشت و برنامه‌نویسی درستی نشده بود و پول‌ها به نام این پروژه، به کارکنان یک شرکت ثالث پرداخت می‌شد؛ ما این گزارش‌ها را به آقای دکتر حسینی، مدیر وقت بازرسی و حسابرسی سازمان و رئیس حراست سازمان دادیم که دقیق بررسی کنند. وقتی این گزارش‌ها در حال بررسی بود، از یک سازمان امنیتی با ایشان مستقیماً تماس گرفتند که برای سؤال و جواب برود.

● **چرا به این خانم اعتماد کردید؟**

چون در سه‌سالی که در شبکه پرس‌تی‌وی کار می‌کرد، وظیفه‌ها را با بد دقت و صداقت انجام داده بود. این بررسی‌ها هم در حوزه آ‌تی‌تی اتفاق افتاده بود. وقتی مفهوم ایلپیکیشن ناشناخته بود، بهترین ایلپیکیشن پرس‌تی‌وی آ‌ی‌فلم را راه انداختیم، وب‌سایت‌ها طراحی جدید شدند و مخاطب‌ها به‌سرعت افزایش یافتند. وب‌سایت و فیس‌بوک پرس‌تی‌وی بیش از یکصد میلیون بازدید در طول ماه داشت. دوره‌ای که تحریم رسانه‌های غربی بودیم، توانستیم مستقیماً فیس‌بوک تری به اروپا



بکشیم و دیتا و سیگنال را به اروپا برسانیم و شبکه‌های ماهواره‌ای را که یکی پس از دیگری قطع می‌شدند روی ماهواره‌های جدید بردیم و اجازه ندادیم قطع شبکه‌ها اتفاق بیفتد. این نوع کارها در دوره مسئولیت این خانم انجام شده بود.

● **اشاره کردید به لحظه‌ای که فلان نهاد امنیتی به دو، سه نفر می‌رسید. آن چند نفر چرا با شما مشکل شخصی داشتند؟**

مشکل شخصی نداشتند، اما فعلاً بیش از این توضیح نمی‌دهم، چون از ظرفیت این مصاحبه خارج است؛ این خانم را مستقیماً برای پاسخ‌گویی خواستند. ایشان به من گفت می‌خواهم در این جلسه شرکت کنم. ما گفتیم حتماً باید از حراست یک نفر در این جلسه حضور داشته باشد. این جلسه خیلی طولانی بود و فردی که از حراست شرکت داشت گفت هرچه سؤال کردند ایشان مسلط جواب داد و فکر کردیم ما‌جرا تمام شده. البته ایشان به دلیل رفتاری که در آن جلسه شد، استعفا کرد و گفت هدفش این بوده که چند قدم مثبت در سازمان بردارد و حالا که نمی‌خواهند، استعفا می‌دهم. گفتیم اجازه دهید ما‌جرا را پیگیری کنیم و استعفا را قبول نکرده. یکی از مدیران ارشد آن سازمان امنیتی آمد و گفت ما به ایشان ظن جاسوسی داریم. گفتیم آ‌یا مدرک و سندی دارید؟ حرف‌های پراکنده‌ای می‌زد، اینکه از نظر ما پنج سال در زندان نبوده. گفتیم شما که فرق سناریو و مدرک را می‌دانید چیست. سناریو یعنی شما چیزی را تصور می‌کنید و آن را تبدیل به گزارش می‌کنید. مدرک یعنی سند و اطلاعات دارید. گفتیم من به شما کمک می‌کنم که زودتر به نتیجه برسید. این خانم کل پنج سال زندان را کتاب نوشته و اینکه در کدام ایالت و زندان بوده و همچنین‌هایش چه کسانی بودند همه را نوشته و اسم برده. گفتیم شما به من بگویید فلان بخش از کتاب که نوشته اشتباه است و درستش را بگویید و بگویید در این خانه، در این شهر یا در این ایالت بوده، نه آنجایی که در کتاب آمده؛ اگر این را بگویید من قبول می‌کنم. ایشان رفت و دیگر مدرکی ارائه نکرد. البته اشکال عمده‌ای به شورا‌های عالی شرکت کنند، به کارهای داخلی خودشان نمی‌رسد؛ نکته‌ای که آقای روحانی هم این‌اواخر به آن اشاره می‌کرد، چون آن‌قدر جلسات زیادی در دولت و شورای‌عالی هست که نمی‌توان در همه آنها شرکت کرد؛ مثلاً گزارشی آمده بود که معاون‌اول رئیس‌جمهور ۲۴ شورای‌عالی را باید اداره کند. نگاه من این بود که اول باید صداوسیما اصلاح شود و فکر می‌کردم با اصلاح صداوسیما می‌توانیم این کار را الگوی اصلاح کشور قرار دهیم.

● **شاید تصور می‌کردند ایشان در کش‌وقوس‌های مذاکره پنهانی با آمریکا برسر «برجام» بودند؟ من به این تحلیل کار ندارم؛ واقعیت را می‌گویم. به‌هرحال چیزی ارائه نشد و حرف‌هایی که می‌زدند سندی نداشت. خانم میرقلی‌خان به مدیر مرکز حراست سازمان که خودش یکی از سرداران سپاه بود و فرد معتمدی برای بیت رهبری است، مراجعه کرد و گفت اگر نمی‌خواهند من اینجا کار کنم خودم می‌روم. ایشان هم گفت من مسئول حراست هستم و اگر کسی سند و پرونده‌ای دارد باید به من بگوید. در واقع بعد از من، مدیر حراست صداوسیما نیز به این خانم گفت اجازه دهید پیگیری کنم و اگر کسی سندی دارد باید به من بگوید. درستش هم این بود. پس به من مطلب درستی گفته نشد. به مدیر مرکز حراست صداوسیما هم چیزی گفته نشد و ایشان هم اعلام کرد هیچ‌گونه سوابق سوئی یا خانم میرقلی‌خان ندارد. بااین‌حال مجدداً به بهانه پیداشدن لپ‌تاپ ایشان که درزدهده شده بود، ایشان را هم هم مستقیماً خواستند و گفتند از کشور برود. ایشان هم رفت. باز هم به ایشان سفارش کردم شما سکوت کنید تا من پیگیری کنم. نکته بدتر این است که بلافاصله در یکی از سایت‌ها نوشتند که این خانم از کشور «فرار کرده»! وقتی می‌پوینسند فلانی فرار کرده است یعنی چه؟ یعنی وانمود کنند که جاسوسی بوده که فرار کرده و این خانم مجبور شد توضیحاتی بدهد. کاری که من کردم مکاتبه، پیگیری و جلسه به اشکال مختلف بود.**

● **آ‌یا هدف، خود شما بودید؟**

به انگیزه آنها نمی‌پردازم. درباره واقعیتی که رخ داده صحبت می‌کنم. واقعیت این است که استقلال و عزت و اقتدار صداوسیما به این شکل مخدوش می‌شد. با نوع دخالت‌های فراقانونی که اصلاً برای سازمان درست نبود و رئیس صداوسیما وظیفه داشت اینها را پیگیری کند. زیرا این قصه سر در داشت و بعد نسبت به افراد دیگری که مؤثر بودند شروع به اتهام‌زنی کردند؛ یعنی نحوه برخورد با ما‌جرا به شکست‌کشاندن کرده و فشار آوردن برای حذف پرونده‌های مؤثر و کارآمد، من هم با استفاده از روش‌های فراقانونی اصلاً پذیرفتنی نبود. وقتی بازخوردی از این اتفاقات نگرفتم و پاسخی به‌طور روشن دریافت نکردم، به این نتیجه رسیدم که من باید کنار بروم. چون این سیستم و این روش به نفع صداوسیما نیست؛ بنابراین در ۲۸ بهمن ۱۳۹۴ استعفا را تقدیم کردم.

● **اما در نهایت استعفا‌ی شما در تاریخ ۲۲**

اردیبهشت پذیرفته شد. چرا؟

به نظرم در این زمینه وارد نشویم بهتر است. بله حدود دو ماه‌ونیم طول کشید تا استعفایم را قبول کردند.

● **یکی از مدیران مؤثر دوره ریاست شما مدیریت شبکه مستند بود. آقای تاجیک نامه‌ای سرگشاده خطاب به مهندس صرامی نوشت و به تاراج «آرشیو» صداوسیما اشاره کرد. داستان این «آرشیو» چیست؟**

نگاهی در سازمان بود که به‌شدت با آن مخالف بودم. اینکه «آرشیو» جایی مثل انبار نوار است و شاید همین نگاه باعث شد تا از این آرشیو به شکل ساختارمند استفاده نشود و هم خیلی سوءاستفاده شود و این ذخیره گرانبهای ملی صدمه ببیند. متأسفانه در دوره‌های مختلف نوارهای متعددی از «آرشیو» سازمان بیرون رفت و ما به‌شدت در حال پیگیری بودیم که اولاً چطور می‌توانیم به طور ساختارمند، جلوی این کار را بگیریم و با افرادی که این کار را کردند برخورد جدی کنیم.

● **آقای آشنا، مشاور رئیس‌جمهوری، هم در توییتهای ما‌جرا‌ی آرشیو اشاره کرد که «در این روزها بادی کنیم از عزتمندانی که آرشیو تلویزیون ملی ایران را با بودجه‌ای درخزولی حفاظتی اندک دیجیتال کردند، اجنه هم آرشیو آماده را چون ورق زربودند و فروختند، نه به من و نه به تو، بلکه به از ما برترانی که در تونل زمان اسفوره ساختند از عوامل دردهای بی‌درمان ملت ایران». با این نگاه آیا با رئیس‌طایفه «جنیان» در دوره شما برخورد شد؟**

مسئول آرشیو را تغییر دادیم. مسئولیت را به کسی که مورد اعتماد بود و با آ‌ی‌تی و فضای دیجیتال آشنا بود، واگذار کردیم. «آرشیو» خوبی در پرس‌تی‌وی ایجاد کرده بودیم که یکی از ذخیره‌های کنونی صداوسیما است. یکی از کارهایی که باید اتفاق می‌افتاد، مثلاً تهیه‌کننده می‌گوید می‌خواهم درباره جنگ ایران و عراق مستند بسازم. یک فهرست بلندبالا از تمام عملیات‌ها می‌دهد که صدها ساعت از آرشیو صداوسیما را به من بدهید. اگر صداوسیما این کار را نکند می‌گویند اجازه نداده کار کند. اگر بدهم هم که این همه ذخایر را بیرون فرستاده است. ما برای این کار راه‌حل درست کردیم و گفتیم تمام منابع و دیتا‌ها ثبت شود تا با جست‌وجوی راحت قابل بازیابی باشد و به شکل لورز (Low resolution با کیفیت پایین تصویر) در اختیار همه قرار بگیرد و لوگوی آرشیو را هم داشته باشد تا کسی نتواند سوءاستفاده کند. اگر تهیه‌کننده در چند دقیقه از این منابع درست کند یا برنامه‌اش استفاده کرد، هیچ‌کس نمی‌تواند به من بدهید. در همان زمان به ما گزارش دادند که بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ شوهای خوانندگان زن قبل از انقلاب را از سازمان خارج کردند تا معوم کنند؛ اما اینها به شبکه‌های خارجی فروخته شد. بخش دیگر هم خروج غیرقانونی آرشیو توسط یکی، دو کارمند آرشیو مرکزی بود که در جلسه‌ای که ما با مدیر کل وزارت اطلاعات در سال ۱۳۹۴ داشتیم، به من اعلام کرد مدت‌ها روی بحث خروج تصاویر آرشیوی به خارج کشور کار کرده و در نهایت یک نفر از تهیه‌کنندگان و دو نفر از کارکنان آرشیو مرکزی را هنگام خروج نوارها همراه هارددیسک‌های کشف‌شده که شماره اموال صداوسیما داشتند، در فرودگاه بازداشت کرده بودند؛ به هر حال این تصاویر در شبکه‌های خارج از کشور منتشر شده و به شکل‌های گوناگون قابل پیگرد هستند.

خبر

رئیس پلیس فتای ناخ‌خبر داد

شناسایی عامل دست‌کاری آرای برنامه «برنده باش»

● رئیس پلیس فتای ناجا با تشریح نحوه تقلب صورت‌گرفته در نظرسنجی پیامکی صداوسیما میان دو برنامه «نود» و «برنده باش»، از شناسایی یک نفر در این خصوص خبر داد.

سردار وحید مجید درباره پیگیری ماجرای تقلب در آرای برنامه «برنده باش» در نظرسنجی انتخاب بهترین برنامه صداوسیما گفت: رسیدگی به این پرونده بر مبنای شکایت قسمت حقوقی صداوسیما و یکی از مدیران و تهیه‌کنندگان تلویزیونی به پلیس فتا ارجاع و در پی آن هماهنگی لازم با دادسرای ناحیه ۳۱ انجام شد. وی با بیان اینکه کارآگاهان و مستندداران پلیس فتا، اپراتور و شرکت ارائه‌دهنده خدمات USSD را شناسایی کرده و تحقیقات خود در این زمینه را آغاز کردند، به ایسنا گفت: کارشناسان پلیس فتا ادله دیجیتال را بررسی کرده و در نهایت به شرکتی رسیدند که آن شرکت مجری اصلی، پیامنکار و متولی اصلی سیستم نظرسنجی بود. تحقیقات انجام شد و مشخص شد که از لحاظ فنی ثبت امتیاز برای آن برنامه، به صورت اتوماتیک و خارج از فرایند انجام شده که اصطلاحاً به آن رجکس می‌گویند.

سردار مجید با بیان اینکه تغییرات اعمال‌شده تماماً حذف شد، به ایسنا گفت: تمامی این تغییرات از سیستم حذف شد و درحال‌حاضر دیگر هیچ‌گونه تکراری‌ای وجود ندارد و آرای خود مردم در این خصوص وجود دارد.

وی درباره اقدامات انجام‌شده برای برخورد با عاملان این اقدام نیز اظهار کرد؛ با شناسایی آی‌پی مداخله‌گر به یک نفر رسیدیم که در شرکتی که پیامنکار تولید این نرم‌افزار و فرایند سیستم نظرسنجی بود، مشغول به کار بود که این فرد شناسایی شد. ادله دیجیتال تکمیل‌کننده تحقیقات جمع‌آوری شد و پس از تحلیل در آزمایشگاه‌های ادله دیجیتال پلیس فتا، عامل دست‌کاری آرآ با تلاش فنی کارآگاهان سایبری پلیس فتا مورد شناسایی قرار گرفت. نتیجه پی‌جویی‌ها به همراه گزارش اقدامات و ادله قانونی برای سیر مراحل قانونی بعدی به مقام قضائی تحویل شد.

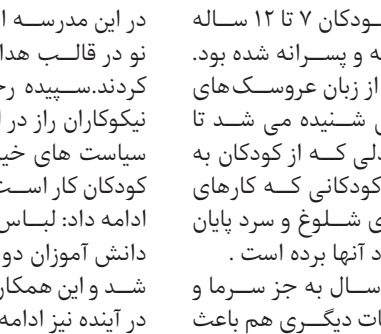
رئیس پلیس فتای ناجا درباره اینکه آیا این فرد با سازندگان برنامه «برنده باش» یا افرادی دیگر ارتباط داشته یا خیر، گفت: اینها همه باید در مرجع قضائی بررسی شود و تحقیقات هنوز در این زمینه ادامه دارد و کامل نشده، اما آنچه که مردم باید بدانند این است که از آرای آنان صیانت لازم شده.

پیش از این در جریان انتخاب مردمی بهترین برنامه تلویزیونی جام‌جم و درحالی‌که برنامه‌نود صدرنشین این نظرسنجی بود، ناگهان آرای برنامه تلویزیونی «برنده باش» افزایش چشمگیری پیدا کرد و یک شبه جانشین برنامه نود شد؛ موضوعی که وزیر ارتباطات تخلف در آن را افشا کرد و در حساب توییتر خود نوشت که طی سه روز متوالی دست‌کاری در نظرات مردمی انجام شده است. آذری‌جهرمی همچنین از شناسایی عامل دست‌کاری در این نظرات خبر کرده و گفته بود که گزارشی کامل از این اقدام برای رسیدگی به پلیس فتا ارائه شده است.

از سوی خیریه راز در مدرسه صبح رویش انجام شد

اهدای لباس عید به کودکان کار

غمگین شدن این کودکان می‌شود،دیدن کودکانی که دست در دست خانواده های شان مشغول خرید لباس برای نوروز هستند. یکی از همراهان این کودکان،خیره



روزیهای اسفند ماه ،جشن نوروزی که برای کودکان کار برگزار شد حال و هوای دیگری به مدرسه صبح رویش داده بوداز با د کنک های رنگارنگی که روی دیوارهای حیاط کوچک مدرسه می‌رقصید گرفته تا موزیک‌های شادای شادی باعث

جنب و جوش کودکان ۷ تا ۱۲ ساله این مدرسه دخترانه و پسرانه شده بود. از شوخی‌هایی که از زبان عروسک‌های نمایش عروسکی شنیده می شد تا قهقهه‌های از ته دلی که از کودکان به گوش می رسید.کودکانی که کارهای تونفرسا در روزهای شلوغ و سرد پایان سال خندین را از یاد آنها برده است . روزهای پایان سال به جز سرما و شلوغی‌ها،از جهات دیگری هم باعث